

فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال ۹، شماره پیاپی ۳۵، پاییز ۱۳۹۸

شاپای چاپی: ۶۷۳۵-۲۲۵۱ - شاپای الکترونیکی: ۷۰۵۱-۲۴۲۳

<http://jzpm.miau.ac.ir>

مقاله پژوهشی

تحلیلی بر چالش‌های شکل گرفته برای شیعیان در کشور بحرین

حجت مهکویی^۱: استادیار گروه جغرافیای سیاسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

مریم شعبانی: استادیار گروه علوم سیاسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

علیرضا عباسی: استادیار گروه جغرافیا، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

پذیرش: ۱۳۹۸/۱/۲۰

صص ۱۵۰-۱۳۷

دریافت: ۱۳۹۷/۸/۴

چکیده

اختلافات مذهبی به عنوان یک عامل چالش‌زا در منطقه‌ی ژئوپولیتیکی خلیج فارس نمایان است. اختلافات سیاسی میان برخی کشورها در این منطقه باعث شده است تا، اختلافات مذهبی نیز مزید بر علت شود و روابط میان کشورهای این منطقه را تحت‌الشعاع قرار دهد. ۸ کشور در منطقه‌ی خلیج فارس همگی مسلمان هستند و دین اسلام به عنوان دین رسمی آنها می‌باشد، در همه‌ی ۸ کشور، پیروان مذهب شیعه حضور دارند. در سال‌های اخیر، به دلایلی همچون خودآگاهی بیشتر، محرومیت از ساختار اجتماعی و سازمانی که به دلیل گرایش مذهبی به تشیع بوده و سالها این مسأله وجود داشته است، در کشورهای بحرین، قطر، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و عراق (تا قبل از سرنگونی رژیم بعث)، پیروان مذهب شیعه به دنبال حقوق خود بر آمده‌اند؛ لذا این امر سبب گردیده است تا از سوی دولت‌های عربستان سعودی و بحرین، خشونت‌های فیزیکی علیه شیعیان، شکل بگیرد و با آنها مقابله شود. به طور کلی تعصبات مذهبی بی‌مورد و چالش‌های مذهبی در کشورهای حاشیه خلیج فارس به عنوان یک مشخصه بارز نمایان است که این در دنیای جهانی شدن و با روند تحولات به سمت رفاه و توسعه انسانی بسیار متفاوت است. این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی و با هدف تحلیل چالش‌های شکل گرفته برای پیروان مذهب شیعه در کشور بحرین، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و سایت‌های اینترنتی به این مسأله پرداخته است؛ سؤال اصلی در این مقاله این است که وضعیت شیعیان در کشور بحرین از نظر سطوح سیاسی، اجتماعی و اقتصادی چگونه است؟ نتایج نشان می‌دهد که چالش‌هایی برای شیعیان در کشور بحرین وجود دارد و باعث برهم خوردن روابط میان شیعیان و حاکمان این کشور شده است.

واژه‌های کلیدی: کشور بحرین، هویت خواهی، اقلیت‌گرایی مذهبی، مذهب شیعه، چالش.

^۱ نویسنده مسئول: .hojat_59_m@yahoo.com ۰۹۱۷۷۰۴۷۴۳۵

مقدمه:

به طور کلی هویت ملی به شدت متأثر از حوادث و وقایع است، اما در تحلیل نهایی، این رهبران و تصمیم‌گیرندگان هستند که باید آن را عرضه کنند و اینان هستند که معین می‌کنند چه ابعادی و چه واقعیت‌های حیات محوری در قواره هدایت بیابند و به همین روی هویت ملی را باید یک برساخته متصور شد. روایت معنایی تاریخ و فرهنگ را در تمام مقاطع تاریخی درونی می‌سازد و آن را مبنای حیات بخشی قرار می‌دهد به نقش کشور در صحنه خارجی و مسیری که باید درباره دیگر بازیگران طی شود. پس این رهبران و تصمیم‌گیرندگان هستند که از این امکان برخوردارند که به بازتعریف بپردازند که این بازتعریف می‌تواند آغازی باشد بر این که کشورها به درکی متناوب از حیات بیرونی و ماهیت روابط با کشورهای همسایه و مجاور [و روابط داخلی] دست یابند (کوزه‌گر کالجی، ۱۳۹۶: ۲۵۳-۲۵۲). امروزه نقش اختلافات مذهبی و ارزش‌های دینی را بیشتر از همه جای دنیا می‌توان در محدوده جغرافیایی خاورمیانه و حوضه‌ی خلیج فارس مشاهده کرد. البته سابقه‌ای تاریخی برای آنچه اکنون در خاورمیانه در حال رخ دادن است وجود دارد. در قرن ۱۰ میلادی در پی ضعف قدرت خلافت عباسیان، خاندان‌های شیعه آل‌بویه و فاطمیون به قدرت رسیدند؛ با این حال، این خاندان‌های شیعه نتوانستند قدرت خود را در محیطی که سنی‌ها بر آن مسلط بودند به ویژه بعد از قدرت‌گیری دوباره خلافت سنی از ۱۲۰۰ تا ۱۶۰۰ میلادی حفظ کنند. اما در قرن ۱۶ میلادی شیعیان دوباره در قالب امپراتوری صفویه که حکومت اسلامی از نوع شیعی را توسعه داد، رستاخیز کردند. این سیکل از تغییر قدرت تقریباً هر پانصد سال یک بار رخ می‌دهد (<http://www.tabnak.ir>). هر چند در منطقه‌ی خلیج فارس، شیعه از منظر ژئوپولیتیک، قدرتمند است ولی اختلافات مذهبی در کشورهای این منطقه بین دو گروه شیعه و سنی نمایان است. در واقع شاخه مذهبی ۸ کشور این منطقه، مربوط به این دو گروه مذهبی است.

در برخی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، جنبش‌بیداری اسلامی که ماهیت آن مبارزه با استبداد و حاکمان مادام‌العمر و خواهان تعیین سرنوشت از طریق افزایش مشارکت سیاسی مردم بود، تهدیدی آشکار علیه حاکمان، ساختار سیاسی و نحوه اداره امور کشور در این کشورها شده است. بر همین اساس، از ابتدای شروع این جریان در شمال آفریقا، سران شورای همکاری خلیج فارس به شدت با آن مخالف بودند. این مسأله زمانی برای شورای همکاری بغرنج‌تر شد که خیلی زود جنبش‌بیداری اسلامی وارد قلمرو کشورهای این شورا از جمله در عربستان سعودی (استان‌های قطیف و احساء) و به صورت گسترده در بحرین شد. خاندان آل‌خلیفه در بحرین که در برابر اعتراض گسترده مردمی مواجه شده بودند و کنترل اداره امور کشور برایشان دشوار بود، در راستای توافقنامه شورای همکاری از عربستان سعودی و سایر کشورهای شورا تقاضای کمک کردند. سران شورای همکاری نیز که جنبش‌های مردمسالارانه و تحول‌خواه و به ویژه در بحرین را در تضاد آشکار با میانی و اصول کشورداری خود می‌دانستند و همچنین ماهیت شیعی جنبش بحرین که در صورت پیروزی و تشکیل دولت، همگنی حکومت‌های سنی شورای همکاری را به هم می‌زد و حتی تهدیدی بزرگ برای کل ماهیت شورای همکاری بود، به شدت واکنش نشان دادند و درصدد سرکوب قیام مردمی بحرین برآمدند. بر این اساس، دولت عربستان سعودی و امارات متحده عربی به مداخله نظامی در بحرین برای سرکوب قیام مردمی برآمدند و کویت نیروی دریایی خود را به سواحل بحرین اعزام کرد (ویسی، ۱۳۹۷: ۱۵۶). از دلایل توجه سیاست خارجی دولت‌های منطقه به خصوص عربستان سعودی در بعد هویت در کشورهای همسایه و مجاور را بر مبنای دیدگاه سازه-انگاران به ویژه دیدگاه ونت^۱ (۱۹۹۲) می‌توان اینگونه تبیین کرد که هویت، مهمترین مؤلفه در تعیین رفتار بازیگران از جمله دولت‌ها در نظام بین‌المللی می‌باشد؛ به نظر ونت، هویت، خصوصیت یا ویژگی است که دولت‌ها به عنوان کنشگران نیت‌مند، آن را دارا می‌باشند و ایجاد کننده تمایل‌های انگیزشی و رفتار آنها می‌شود. در حال حاضر سیاست خارجی عربستان سعودی در مقابل خیلی از بازیگران منطقه‌ای به خصوص ایران از هویتی متمایز، متأثر می‌باشد که این کشور برای خودش انتخاب کرده است. نظام مبتنی بر افکار و اندیشه‌های آیین وهابی‌گری، چیزی هست که هویت دولت عربستان سعودی را از بقیه کشورهای منطقه خلیج فارس و خاورمیانه به خصوص کشورهای شیعه مذهب، متفاوت می‌کند. این کشور با توسل و اتکاء به هویت قومی-عربی، ابتدا خود را از کشورهایمانند ایران، ترکیه و اسرائیل که غیرعرب هستند جدا کرد و سپس با تقویت دین به عنوان منبع هویت بخش، برای خودش در میان اعراب هویتی متمایز را به وجود آورد (هدایتی‌شهیدانی و صفری، ۱۳۹۶: ۳۳-۳۲).

در سال‌های اخیر، اختلافاتی میان پیروان مذهب شیعه با ساختار حکومت برخی از کشورهای حاشیه خلیج فارس به ویژه بحرین و عربستان سعودی، و در عراق که بعد از سرنگونی صدام حسین، شیعیان توانستند با توجه به اینکه ۵۵٪ جمعیت این کشور را به خودشان اختصاص می‌دهند، قدرت سیاسی را در اختیار بگیرند، ایجاد شده و باعث شکل‌گیری تظاهرات و جنبش‌های مردمی در این کشورها شده

^۱. Wendt

است؛ از سال ۲۰۱۱ در کشور بحرین، مردم شیعه مذهب به دلیل اینکه سالها از سوی حکومت مرکزی در تبعیض بوده‌اند، با توجه به اینکه ۷۰٪ جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند، خواهان سهم بیشتر و عادلانه‌تری از نظام اجتماعی و اداری در بحرین شده‌اند. این مسایل باعث شده تا هویت‌خواهی جدیدی برای پیروان شیعه در این کشور کوچک و جدید شکل بگیرد. این مسأله از آنجا می‌تواند ناشی شود که شکل‌گیری هویت ملی آنها متأثر از تازه تأسیس بودن آنها می‌باشد. به واقع «با گرفتن کشورهای کوچک در جنوب خلیج فارس از طرح‌های بریتانیا بوده [است]؛ در حالی که بسیاری از این کشورهای نوپا، [در آن زمان] هنوز شناخت درستی از هویت ملی نداشتند و فرهنگ سیاسی سنتی داشتند. به سخن دیگر، وفاداری‌های قومی و فرقه‌ای برای آنها بسی مهمتر از وفاداری ناملموس ملی بود و چه بسا هنوز هم هست» (دیلمی معزی و شجاع، ۱۳۸۷: ۹۹). بنابراین مسأله اصلی این است که چرا شیعیان در کشور بحرین، اعتراضات و تظاهراتی را به راه انداخته‌اند؟ و وضعیت معیشتی و اجتماعی آنها در بحرین چگونه است؟

لاجرم آنچه به عنوان سؤال اصلی در این مقاله مطرح شده این است که وضعیت شیعیان در بحرین از نظر سطوح سیاسی، اجتماعی و اقتصادی چگونه است؟ بر این اساس، فرضیه حاصل این پاسخ را می‌دهد که وضعیت شیعیان در بحرین از نظر سطوح سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مناسب نیست. لاجرم وضعیت شیعیان در کشور بحرین از دیدگاه اقلیت‌گرایی مذهبی و هویت‌خواهی در بعد مذهبی با رویکرد توصیفی - تحلیلی بررسی شده است.

مبانی نظری تحقیق:

در ارتباط با وضعیت شیعیان در خاورمیانه و به ویژه در حوضه خلیج فارس، خصوصاً بعد از شکل‌گیری اعتراضات در این کشورها و انقلابات رخ داده در کشورهای عربی در آفریقا، پژوهش‌های زیادی انجام گرفته است. از نمونه این مقالات می‌توان به موارد چندی اشاره کرد: سیدابوالحسن نواب (۱۳۹۳)، در کتاب درسنامه جغرافیای تشیع (جلد اول)، به بررسی جغرافیایی شیعیان در جهان پرداخته است. این کتاب که در ۶ بخش تدوین گردیده است وضعیت شیعیان را نشان می‌دهد. در بخش دوم کتاب وضعیت شیعیان بحرین بررسی شده است. علی خداوردی (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای با عنوان بیداری اسلامی در بحرین، با مطرح کردن این سؤال که آیا قیام مردم بحرین را می‌توان در قالب مفهوم بیداری اسلامی با شاخص‌های اصلی آن یعنی، استکبارستیزی، اسلامی بودن و مردمی بودن، تبیین کرد؟ این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی این موضوع پرداخته است. خالد حزباوی و حسین کریمی‌فرد (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با عنوان نظریه پخش و تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان بحرین، به بررسی تأثیر انقلاب ایران بر کشورهای پیرامون و حوضه خلیج فارس پرداخته است. و این سوال مطرح شده است که انقلاب ایران چه تأثیری بر شیعیان بحرین داشته است؟ در این مقاله با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به بررسی این مسأله پرداخته است. معین ضابطی و علی‌علی حسینی و سیدجواد امام‌جمعه‌زاده (۱۳۹۶)، در مقاله‌ای با عنوان فرصت‌های اسلام سیاسی شیعه در فضای جهانی شدن، به بررسی آگاهی و تأثیرات جهانی شدن بر جهان اسلام و فرصتهایی که جهانی شدن برای اسلام سیاسی و شیعه فراهم آورده است، پرداخته است. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی به این مسأله پرداخته است. در تفاوت میان مقاله حاضر، باید بیان کرد که در این مقاله به چالش‌هایی که برای شیعیان در بحرین شکل گرفته است از دیدگاه اقلیت‌گرایی مذهبی و هویت‌خواهی، مورد تحلیل قرار گرفته است.

اقلیت‌گرایی مذهبی: اقلیت^۱ بودن یک گروه هم به معنای کم‌تعدادتر بودنش است و هم به طور کامل بخشی از کل جمعیت به حساب نمی‌آید. کمسیون حقوق بشر سازمان ملل اقلیت را اینگونه تعریف می‌کند: گروهی که در یک کشور تعداد آنها از بقیه‌ی جمعیت ساکن در آن کمتر باشد و با وجه تمایز نسبت به دیگران در یک موقعیت غیرغالب قرار دارند، و برای حفظ فرهنگ خود، دارای نوعی حس انسجام و همبستگی می‌باشند (Braden & Sheli, 2003: 157-158). واژه اقلیت از اصطلاحات مبهم، تعریف نشده و بحث برانگیز در حقوق بین‌الملل می‌باشد. از ابهامات در تعریف این واژه، متقاطع بودن ویژگی‌های گروه‌های اقلیت است، به این مفهوم که امکان دارد در برخی کشورها، گروهی از افراد به علت داشتن مذهب مجزا از اکثریت افراد جامعه، اقلیتی مذهبی به حساب آیند ولی از نظر مشخصات قومی به گروه اکثریت تعلق داشته باشند و عکس همچنین وضعیتی نیز قابل پیش‌بینی است. بنابراین در کشورهای با مذاهب دوگانه و یا بیشتر، این وضعیت می‌تواند شکل بگیرد. به عنوان مثال می‌توان وضعیت فعلی کشور سوریه را بیان کرد. در این کشور، حاکمان آن وضعیت چند وجهی دارند. مذهب حاکمان سوریه علوی است درحالی‌که اکثریت جامعه دارای مذهب تسنن هستند. از آنجا که حاکمان (حزب بعث) بر عامل قومیت تأکید می‌کنند (ضلع دیگر هویت) جزو گروه اکثریت به حساب می‌آیند. از سوی دیگر جمعیت کرد تبار این کشور که از نظر مذهبی

¹. Minority

تسنن هستند به لحاظ قومی، اقلیت می‌باشند که با تغییر جایگاه هیأت حاکمه و جایگزین شدن هیأت حاکمه با مذهب تسنن، وضعیت فعلی اقلیت و اکثریتی جابجا می‌شود (عزیزی، ۱۳۹۴: ۷۲-۶۹). آنچه که در بحرین نیز مشاهده می‌شود. با این اوصاف، اقلیت‌گرایی مذهبی را می‌توان اینچنین تعریف نمود: «حرکت‌هایی سیاسی که از درون حوزه دین و مذهب، متفاوت با ایدئولوژی مرجع در جامعه‌ای معین، با هدف نقد ساختار قدرت موجود و به منظور افزایش میزان دسترسی پیروان آن مذهب به مناصب قدرت یا اصلاح الگوی ملی اعمال قدرت، پدیدار می‌شوند.» مفاهیم محوری در این تعریف را می‌توان اینگونه بیان کرد:

۱. اقلیت‌گرایی مذهبی یک حرکت سیاسی به معنای عام است؛ همان طور که با قدرت نسبتی دارد و به صورت سلبی یا ایجابی با آن مرتبط می‌گردد. به علاوه این ارتباط فقط در حوزه سیاسی تعریف نشده است و می‌تواند مصداق‌های فرهنگی، اقتصادی، ارتباطی و ... نیز داشته باشد.

۲. کانون هویت بخشی آن را مذهب تشکیل می‌دهد و از این نظر از سایر گونه‌های اقلیت زبانی و نژادی متمایز می‌باشد.

۳. مبنای شناخت اقلیت و اکثریت، میزان دسترسی آنها به قدرت است؛ لذا به تعداد توجه خاصی ندارد. بر این اساس، اقلیت نگرش مذهبی مقابل مذهب مرجع در یک واحد سیاسی به حساب می‌آید.

۴. سطح و میزان ارتباط این پدیده با ملاحظات سیاسی نیز در نظر گرفته شده و در فراز پایانی تعریف تغییر الگوی ملی اعمال قدرت یا افزایش میزان دسترسی پیروان آن مذهب به قدرت به عنوان دو هدف اساسی اینگونه حرکت‌های سیاسی مشخص شده است. بر این اساس، تمام فعالیت‌های اجتماعی که در چارچوب اصول مصوب ملی و به عنوان اقدامات صنفی مشخص می‌شوند، از این تعریف خارجند و مصداق اقلیت‌گرایی دینی به شمار نمی‌آیند. در عوض، اقداماتی که به نوعی تغییر الگوی ملی اعمال قدرت را هدف قرار داده‌اند از قبیل خودمختاری، تجزیه طلبی و ... یا اینکه ساختار ملی را بر نمی‌تابند مانند تغییر نسبت‌های معین قانونی برای گروه‌های مذهبی مختلف در دسترسی به پست‌های ملی در درون حکومت یا مجلس و ... شکل دهنده اقلیت‌گرایی مذهبی هستند (جهانی، ۱۳۹۲: ۱۱-۱۰).

هویت خواهی: «هویت^۱ از تشبه یا همسان شدن فرد با [مسئله‌ای] که خارج از آن است ناشی می‌شود. این [مسئله] خارج از محیط فیزیکی یا مادی و چشم‌اندازها، ارزش‌های یک سرزمین یا یک گروه است. این مسئله مستلزم پذیرش آنهایی است که مایل اند فرد یا گروه را درهم آمیخته ببینند. این [موضوعی] است که مطالعه هویت را مسئله‌ای ظریف و پیچیده می‌کند، زیرا یک واقعیت مطلق نیست و متناسب با شرایط تفاوت می‌کند. ما در زندگی آن را تجربه می‌کنیم، مثلاً ممکن است من خود را نسبت به کسی که در ۳۰ کیلومتری خانه‌ام ساکن است اجنبی بدانم ولی هنگامی که یکدیگر را در ژاپن و یا ایالات متحده می‌بینیم همدیگر را هم‌وطن می‌دانیم. [لاجرم،] سطوحی از هویت وجود دارد که باید آن را چیزی شبیه عروسک‌های تودرتو دانست. [بنابراین] هویت یک مفهوم طبیعی نیست بلکه پدیده‌ای اجتماعی است که در تعامل اعضای گروه با همدیگر و با بیگانگان همواره در روند تکامل و تغییر قرار دارد» (عزیزی، ۱۳۹۴: ۱۰۷-۱۰۶) (کلاوال، ۱۳۹۴: ۹۱).

هویت یکی از مقولاتی است که در زمان و مکان مشخصی نمایان می‌شود و بر اثر درهم آمیختگی عوامل طبیعی و انسانی در یک مکان خاص شکل می‌گیرد. به طور کلی هویت به دو دسته هویت شخصی و هویت اجتماعی تقسیم می‌شود. هویت شخصی بر شرح حال و ویژگی‌های استوار است و به این سوال که من کیستم و به کجای جهان تعلق دارم؟ پاسخ می‌دهد و هویت اجتماعی براساس عضویت افراد در گروه‌های اجتماعی تعیین می‌شود. از انواع هویت‌های اجتماعی می‌توان به هویت‌های فرهنگی، قومی، دینی، زبانی، نژادی، ملی و طبقاتی اشاره کرد (بدیعی‌ازنده‌ای و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۰۶). در نظام‌های سیاسی که تکثرگرایی دینی و قومی دارند با مشکلات هویت‌های اجتماعی و فشارهای ملی‌گرایی روبرو هستند. هارم دی بلیج^۲ (۱۹۹۲) متذکر می‌شود که در جهان قرن بیست و یکم، مشکلات در دو موضوع خلاصه می‌شود: اول چارچوب‌های مرزی که ریشه در دهه‌ی ۱۸۰۰ میلادی دارند و دوم نظام‌های سیاسی که معدودی از آنها می‌توانند فشارهای نوظهور ملی‌گرایی و منطقه‌گرایی را تحمل کنند (Braden & Sheli, 2003: 133). حال معتقد است که آن هویت‌های قدیمی که به مدت طولانی جهان اجتماعی را دوام بخشیده بود در معرض اضمحلال قرار گرفته‌اند به طوری که اکنون بحث هویت‌های جدید و مجزا شدن انسان مدرن مطرح می‌باشد. این وضعیت که اصطلاحاً بحران هویت نامگذاری شده است به ضرر بخشی از فرایند گسترده‌تر تحولی دیده می‌شود که ساختارهای اصلی را جابجا کرده و ساختاری را که برای افراد، تکیه‌گاه محکمی در جهان اجتماعی فراهم می‌کرد تخریب نموده است. حال به سه نوع فهم یا ادراک از هویت اشاره می‌کند: سوژه‌ی روشنگری (انسان به مثابه یک فرد با هویت واحد با هسته‌ی

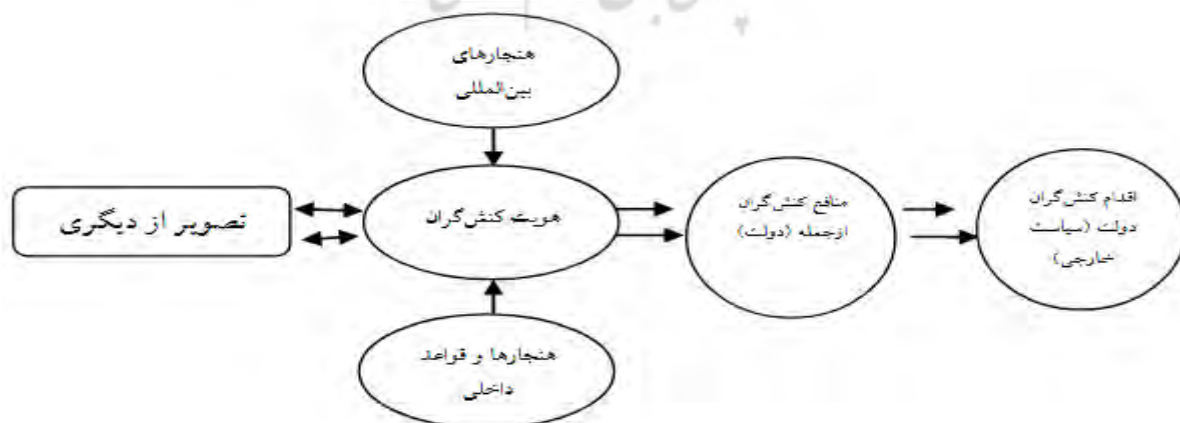
1. Identity

2. Harm De Blij

درونی و ماندگار)، سوژه‌ی جامعه‌شناختی (شکل‌گیری هویت انسان در تعامل با دیگران مهم) و سوژه‌ی پست مدرن (فرایند هویت‌یابی ناپایدار، دو رگه و مشکل‌زا و چند پاره). همچنین حال سه پیامد جهانی شدن برای هویت‌های فرهنگی را اینگونه مطرح می‌کند: ۱. هویت-های ملی در نتیجه‌ی رشد همسانی فرهنگی و "پست مدرن جهانی" فرسوده می‌شوند؛ ۲. هویت‌های ملی و دیگر هویت‌های محلی یا خاص‌گرایانه، با مقاومت در برابر جهانی شدن، تقویت می‌شوند؛ ۳. هویت‌های ملی رو به اضمحلال می‌روند در حالی که هویت‌های دورگه-ی جدیدی جای آنها را می‌گیرند. به گفته‌ی هال، قومیت‌های متقابل (بعد ملی هویت) که بر بعد ملی تأکید دارند و بنیادگرایی‌های مذهبی (بعد مذهبی) هر چند که از بعضی جهات محلی می‌باشند اما جهانی نیز هستند. در واقع به این دلیل که اینها جماعت‌هایی می‌باشند که توسط رسانه‌ها خارج از کنترل نسبی دولت شکل می‌گیرند، دارای رویکردی جهانی هم می‌شوند. این می‌تواند به جهانی شدن مرتبط باشد زیرا که شامل همسانی فرهنگی است. در واقع می‌توان اینگونه استدلال نمود که هویت مذهبی هم از جهاتی محلی و هم از جهاتی جهانی است. جهانی به این دلیل که دین را برای تمام جهان و بشریت می‌داند و ادعای جهانی دارند و از سویی در مقابل هویت ارایه شده از رسانه قرار می‌گیرند و مقاومت می‌کنند که این همان نقش محلی آن است و نشان دهنده‌ی جنبه‌ی نسبی شده‌ی هویت‌های ملی و مذهبی می‌باشد که در رابطه با جهانی شدن و رسانه‌ها ایجاد شده است (امینی‌زاده و بوستانی، ۱۳۹۵: ۱۲۷-۱۲۶).

از آثار جهانی شدن کوتاه و فشرده شدن گستره‌ی حاکمیت ملی می‌باشد. در کشورهای توسعه نیافته که مراحل هویت‌یابی ملی را از پشت سر نگذرانده‌اند و ملیت‌گرایی در آنها نهادینه نشده است، روند جهانی شدن آثار نامطلوبی داشته است و خواهد داشت. این روند به افزایش آگاهی‌های فرو (محلی) و فراملی انجامیده و بدین‌گونه در برجسته شدن تمایزات قومی و مذهبی نقشی مهم داشته است. به سخن دیگر، جهانی شدن با فشرده کردن زمان و مکان، امکان ایجاد ارتباط و همراهی با همفکران، هم مسلکان و هم نژادها را فراهم می‌کند. در جهان امروزی وسایل ارتباط جمعی، نقش مهم و اساسی در شکل‌دهی به هویت در سطوح فراملی و فروملی بازی می‌کنند و این، کشورهای نوپدید را که وفاداری‌های ملی در آنها نهادینه نشده و بنیان نگرفته، با چالش‌هایی سخت مواجه می‌سازد (دیلیمی‌معزی و شجاع، ۱۳۸۷: ۱۰۰). بنابراین هویت‌خواهی از ثمرات جهانی شدن است، در واقع، ماهیت خاص دوره جهانی شدن چنین است که حتی کمترین ظرفیت موجود برای برقراری ارتباط با کشورهای دیگر، اثری مثبت بر تصویر بین‌المللی آن کشور دارد (Muzaffarli, 2008:16).

لاجرم مردم در بسیاری از سرزمین‌ها و کشورهای خاورمیانه از هویت‌ملی بی‌بهره و یا دور بوده‌اند و این هویت به نوعی به آنها داده شده است. به عبارت دیگر بسیاری از آنها جز عربیت، دریافت و برداشت دیگری از هویت نداشته‌اند (دیلیمی‌معزی و شجاع، ۱۳۸۷: ۹۹). آنچه که در این سال‌ها در کشورهای بحرین و عربستان سعودی اتفاق افتاده است به دلیل هویت‌خواهی ناشی از اختلافات سطح معیشتی و وضعیت اجتماعی آنها در این کشورها بوده است؛ همان‌طور که «احساس‌های هویتی متنوع‌اند، اما عموماً از چارچوب معیشت‌ها و وضعیت‌های خاص برخاسته‌اند، که ضمن اینکه شخص یا فرد خود را وابسته به یکی از این مقوله‌ها می‌داند این وابستگی هیچ‌گونه تکلیف الزام‌آوری بر وی تحمیل نمی‌کند. در عین حال، وقتی که فردی خود را به سطوحی از هویت‌ها بیشتر وابسته می‌داند، آن سطح هویتی نوعی تعهد فعال پیش روی او می‌گذارد. از آغاز قرن نوزدهم هویت‌های ملی از آنچه اشاره شد، شکل گرفته‌اند» (کلاوال، ۱۳۹۴: ۹۳). با توجه به این موضوع، در برخی از کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس به دلیل اختلافات مذهبی و نابرابری‌های اجتماعی، هویت‌خواهی‌هایی در این کشورها برای مردم شکل گرفته است که این مسأله باعث شده روابط خوبی در بعد داخلی و خارجی برای جوامع این کشورها با یکدیگر وجود نداشته باشد و همگرایی ملی و منطقه‌ای در این منطقه با ناکارآمدی‌هایی مواجه شده است.



نمودار ۱- نحوه تأثیر گذرای هویت بر منافع بازیگران از جمله دولت در عرصه بین‌المللی - منبع: (هدایتی‌شهیدانی و صفری، ۱۳۹۶: ۳۲)

تأثیر چالش‌های مذهبی بر همگرایی:

مفهوم همگرایی در بردارنده فرایندی است که طی آن کشورها به صورت داوطلبانه از اعمال اقتدار تام خود برای رسیدن به اهداف مشترک عدول می‌کنند و از یک قدرت فوق ملی پیروی می‌نمایند. عدم همگرایی در میان گروه‌های مختلف قومی، مذهبی، نژادی و ملی می‌تواند موقعیت یک کشور را تا آستانه از هم‌پاشیدگی و از دست دادن استقلال برای آن واحد سیاسی به پیش ببرد و به علاوه ممکن است به محو [حکومت] آن واحد سیاسی از صحنه جغرافیا بینجامد؛ (قوام، ۱۳۹۵: ۲۴۸-۶۱) مانند آنچه که به ویژه در دوران پس از جنگ سرد و شکل‌گیری کشورهای تازه استقلال یافته و جدایی‌طلبی‌ها شاهد هستیم. برای مطالعه همگرایی و خود سیاست با دو پرسش بنیادی مواجه می‌باشیم: اول اینکه چرا اتباع یا شهروندان برای واحد سیاسی که در آن زندگی می‌کنند، حرمت و تقدس قائلند یا (قائل نمی‌باشند)؟ دوم اینکه در درون نظام‌های سیاسی چگونه اجماع شکلی و ماهوی حاصل شده و تداوم می‌یابد؟ به طور کلی درباره همگرایی یا یکپارچگی سیاسی، دو نظریه می‌توان مطرح نمود: نظریه اول، به خاطر وجود ارزش‌هایی مشترک و فراگیر در میان اعضای خود و به خاطر وجود توافقی عمومی درباره چارچوب نظام مربوطه است که نظام‌های سیاسی به انسجام و همبستگی دست یافته و آن را حفظ می‌کنند؛ این نظام‌ها بر مبنای اجماع شکلی (یا توافق عمومی درباره راه‌حل‌های مسائل موجود در نظام سیاسی) استوارند. نظریه دوم، چنین استدلال شده است که به خاطر کاربرد یا تهدید به کاربرد زور است، که واحدهای سیاسی به انسجام دست یافته یا آن را حفظ می‌کنند (دوئرتی و فالترزگراف، ۱۳۷۱: ۶۶۶).

در برابر نقش برانگیزاننده مذهب در تحولات سیاسی و اجتماعی، بسیاری از نظریه‌پردازان‌های مدرنیست‌های معاصر، پیرامون گرایش جوامع به عرفی شدن به منظور کم رنگ شدن مؤلفه‌های مربوط به اختلافات قومی و مذهبی صورت گرفته است. از نمونه این نظریه‌ها چنین ابراز می‌دارد که بسیاری از جنبش‌های سیاسی- اجتماعی مبتنی بر ارزش‌های مذهبی پس از رسیدن به مقاصد خود در جوامع از بین خواهد رفت و جای خود را به عرفی‌گرایی خواهد داد. بسیاری از مدرنیست‌های غربی بر این باورند که کم رنگ شدن وابستگی‌ها و گرایشات قومی و مذهبی با پذیرش هنجارهای عرفی‌گرایانه رابطه مستقیم دارد. در این پیوند سر بر آوردن اسلام احیاگرانه در مناطقی چون خاورمیانه واکنشی به شکست‌های اندیشه‌های عرفی‌گرای ناسیونالیسم و سوسیالیسم عربی در تحقق خواسته‌های ملت‌های منطقه در سده معاصر تلقی شده است. در مجموع بسیاری از تئوری‌ها از جمله نظریات مدرنیست‌ها بر نقش مذهب به عنوان ریشه علی بسیاری از مناقشات قومی و حتی ملی صحنه گذاشته و به احیای اسلامی به عنوان قوی‌ترین شاهد معاصر استناد می‌کنند (<http://www.irna.ir/fa/News/2000097965>). دین و مذهب همواره از نیرومندترین عوامل ایجاد نظم و ثبات در ابعاد گوناگون روابط اجتماعی و سیاسی بوده‌اند و باورهای مذهبی، تداوم اجتماع را از طریق معنابخشی به حیات جمعی و قاعده‌مندی‌سازی مناسبات گروهی تضمین کرده‌اند. اما تفاسیر مختلف از دین موجب شکل‌گیری نحله‌ها، فرقه‌ها و دسته‌های مختلف شده که پیامد آن شقاق اجتماعی و بی‌ثباتی و ناپایداری سیاسی است. البته باید بین مفهوم «اقلیت مذهبی» و «اقلیت‌گرایی مذهبی» تفکیک قائل شد. اقلیت‌های مذهبی پدیده‌ای اجتماعی و فراگیر است که ضرورتاً حساسیت یا بار امنیتی ندارد؛ در حالی که اقلیت‌گرایی مذهبی مقوله‌ای سیاسی و از جنس تهدید است و در ارتباط مستقیم با قدرت و تصدی امر اعمال قدرت عمل می‌کند. اقلیت‌گرایی مذهبی ناظر بر وضعیتی است که نخبگان اقلیت، خواهان به رسمیت شناختن مطالبات هویتی خود در بُعد مذهب‌اند و با تشدید هویت مذهبی و تأکید بر آن به عنوان وجه تمایز با بدنه اصلی جمعیت کشور، ضمن جدا دانستن سرنوشت خود از اجتماع ملی، طیفی از مطالبات شامل سهم‌خواهی در مراکز اصلی قدرت سیاسی کشور تا جدایی‌طلبی و خودمختاری و حتی استقلال کامل را دنبال می‌کنند (جهانی، ۱۳۹۲: ۲۰).

خودآگاهی شکل گرفته در کشورهایی که از نظر مذهبی- قومی دارای بافت ناهمگون و نابرابری فرهنگی، سیاسی و اقتصادی هستند، متأثر از جهانی‌شدن نیز بوده است. «جهانی‌شدن با حذف مرزهای جغرافیایی در مناسبات و روابط فرهنگی، سیاسی، اجتماعی می‌تواند منجر به نزدیکتر شدن مسلمانان در ورای ملیت و قومیت آنها شود. همچنین فناوری‌های نوین، امکان تحول در باورها، ارزش‌ها و تصویر ذهنی مخاطبین را افزایش داده و می‌تواند ذهنیت مسلمانان را فراتر از جامعه ملی به سمت ایجاد تصویری مثبت از زیست و آینده مشترک سوق دهد و محیط ذهنی خوبی ایجاد کند تا زمینه‌ساز انسجام جهان اسلام شود. به گونه‌ای که احترام به عقاید و ارزش‌های طرف مقابل نه تنها به افزایش اعتمادسازی انجامد، بلکه از تعصبات بکاهد و زمینه همکاری را افزایش دهد.» (ضابطی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۵۷). بنابراین می‌توان اصلی‌ترین و «مهمترین ویژگی ساختار سیاسی رژیم آل خلیفه، که به طور تاریخی باعث نارضایتی مردم کشور بحرین شده است، در تبعیض مذهبی و اقتدارگرایی خلاصه کرد. به طور کلی فرقه‌گرایی و تبعیض علیه شیعیان، بارزترین ویژگی ساختار سیاسی این کشور است» (خداوردی، ۱۳۹۴: ۱۷۵).

در برابر فقر، بیکاری و دیگر مشکلات اقتصادی و همچنین تبعیض‌های فاحش اجتماعی و سیاسی پیش روی شیعیان در مقایسه با اقلیت سنی مذهب بحرین، پیش‌بینی لیام فاکس در خصوص نزدیک شدن وضعیت بحرین به نقطه انفجار چندان دور از ذهن به نظر نمی‌رسد. بسیاری از تحلیلگران مسائل منطقه‌ای معتقدند هرچند پی‌ریزی پایه‌های اختلافات مذهبی در خاورمیانه که به موزاییکی از گروه‌های قومی و مذهبی تشبیه می‌شود به سیاست‌های قدرت‌های استعماری به ویژه از دوران پس از جنگ جهانی اول باز می‌گردد اما تأکید بر منازعات مذهبی از سوی برخی دولت‌های منطقه با ادعای رهبری جهان اسلام با هدف تضعیف و متأثر ساختن رقبای منطقه‌ای، شکاف‌های مذهبی را به گسست‌های عمیق امنیتی-سیاسی-مذهبی مبدل ساخته است. حمایت برخی از دولت‌های منطقه به ویژه خاندان آل سعود از موضع حاکمان منامه را می‌توان در چارچوب راهبرد سد نفوذ هرگونه اقدام و کنشگری شیعی در منطقه مورد تحلیل قرار داد. در چنین شرایطی با وجود آرامش نسبی در دیگر کانون‌های فعالیت شیعیان در منطقه همچون عراق و لبنان، منامه به عنوان برلین خاورمیانه می‌تواند وجوه افتراق و تنازعات مذهبی-سیاسی را به صورت عربان‌تری نمایان سازد. در وضعیتی که طوفان‌های بهار عربی هنوز از حرکت باز نایستاده، انگشت نهادن بر گسست‌های مذهبی-سیاسی در مناطقی چون بحرین از سوی برخی دولت‌ها در جهت اعمال نقطه نظرات خاص آنان می‌تواند سرنوشتی چون عراق را برای بحرین رقم بزند (<http://www.irna.ir/fa/News/2000097965>).

جدول ۱- درصد عوامل مذهبی در تعارضات قومی در جهان

منطقه	تعداد گروه‌ها	درصد مذهب به عنوان یک موضوع	تمایز مذهبی	تقاضای حقوق مذهبی	مذهب به عنوان گفتمان سیاسی
خاورمیانه و شمال آفریقا	۱۴	۷۱	۶۴	۵۰	۸۷
بلوک شوری سابق	۳۱	۵۲	۲۷	۴	۴۶
آمریکای لاتین	۱۲	۸۱۲	۲۵	۲۵	۳۷
دموکراسی‌های غربی	۸	-	۲۵	۲۵	۳۷
آفریقا	۱۴	۲۸	۸	۸	۲۱

منبع: (قاسمی، ۱۳۸۹: ۷۶)

گستره جغرافیایی شیعیان در جهان:

جمعیت شیعیان جهان از ۳۲۰ میلیون تا ۴۰۰ میلیون نفر برآورد شده است و در حدود نیمی از این جمعیت، در محدوده‌ی مرکزی خاورمیانه ساکن هستند. شیعیان حدود ۲۰٪ جمعیت مسلمان جهان را شکل می‌دهند. اکثریت شیعیان جهان (۶۸٪ تا ۸۰٪) تنها در چهار کشور ایران، پاکستان، هندوستان و عراق زندگی می‌کنند. براساس برآوردهای صورت گرفته تعداد شیعیان جهان از ۳۲۰ تا ۳۵۰ میلیون و حتی تا ۴۰۰ میلیون نفر تخمین زده شده است. پیکره اصلی جمعیت مسلمانان جهان یعنی بیش از ۶۲٪ در قاره آسیا اسکان دارند. جمعیت اکثریت چندین کشور در خاورمیانه را شیعیان تشکیل داده‌اند از جمله ایران، عراق، بحرین، آذربایجان و یمن. همچنین حدود ۲۰٪ جمعیت سوریه و ترکیه شیعه هستند. علویان دومین گروه مذهبی بزرگ ترکیه را شکل داده‌اند (پس از اهل سنت) به طوری که گفته می‌شود ۲۵٪ (۲۰ میلیون نفر) از کل جمعیت ترکیه علوی هستند. جامعه شیعیان اثنی‌عشری نیز ۵٪ جمعیت مسلمان این کشور را به خود اختصاص داده‌اند (<http://fa.shafaqna.com/news/239452>).

در جنوب آسیا، هندوستان تنها کشور غیرمسلمان در جهان است که شیعیان ۴٪ تا ۵٪ جمعیت کل آن را تشکیل می‌دهند به طوری که این کشور روز عاشورا را به عنوان تعطیلی مذهبی به رسمیت شناخته است. به علاوه در ایالت‌های بهار و اوتارپرادش روز میلاد حضرت علی (ع) تعطیل است. شهر لکنو که مرکز ایالت اوتارپرادش است به عنوان مرکز جامعه شیعیان هندوستان شناخته شده است. روز میلاد حضرت علی (ع) تنها در کشورهای هندوستان، آذربایجان و ایران به عنوان روز تعطیلی مذهبی به رسمیت شناخته شده است. یکی از مشکلاتی که در تخمین جمعیت شیعیان کشورهای مختلف وجود دارد این است که گرچه شیعیان اقلیت مهمی در یک کشور مسلمان محسوب می‌شوند اما کل جمعیت مسلمان کشورها با نام اهل سنت ثبت می‌گردند. با این حال به دلیل اختلاط مدارس اسلامی و شعب آنها و نیز مسأله تقیه در میان برخی از شیعیان، برآورد تعداد کل شیعیان مشکل است. (<http://fa.shafaqna.com/news/239452>).

وضعیت حال حاضر کشورهای مسلمان با توجه به سابقه تمدنی آنها در سطوح اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی مناسب نیست. به گزارش سرویس ترجمه شفقنا، یافته‌های مؤسسه تحقیقات پیو از بررسی بیش از ۲۰۰ کشور جهان نشان می‌دهد که در حال حاضر ۱۰۶ میلیارد مسلمان در سراسر جهان زندگی می‌کنند که این تعداد ۲۳٪ کل جمعیت بیش از ۷,۶۳۲,۸۱۹,۳۲۵ میلیاردی جهان را طبق آمار سال ۲۰۱۸ (<http://rotbe3.com/economic/social/world-population/>) تشکیل می‌دهند. جمعیت ۱۰۶ میلیاردی مسلمانان جهان را

به طور تقریبی به فرقه‌های اصلی ذیل می‌توان تقسیم کرد: ۱. مسلمانان سنی حنفی (۳۵٪)؛ ۲. مسلمانان سنی شافعی (۲۵٪)؛ ۳. مسلمانان شیعه (۲۰٪)؛ ۴. مسلمانان سنی مالکی (۱۵٪)؛ ۵. مسلمانان سنی حنبلی (۴٪)؛ ۶. مسلمانان سلفی (۱٪)؛ اکثریت مسلمانان ملت‌های هند و اروپایی حنفی هستند. مسلمانان آسیا-آفریقایی معمولاً حنفی نیستند. اکثریت مسلمانان آفریقای شرقی، هویی‌ها (قوم مسلمانان چینی) و مالایی‌ها شافعی هستند. اکثریت مسلمانان در آفریقای غربی تقریباً مالکی هستند (شامل مردم مراکشی و دیگر مکان‌هایی که فرهنگ مراکش شایع است). فرقه سلفی تنها در عربستان سعودی و چند کشور دیگر حوضه خلیج فارس حضور دارند. (<http://fa.Shafaqna.com/news/239452>)

جدول ۲- درصد پیروان شیعه و سنی در کشورهای مسلمان در محدوده‌ی جغرافیایی خاورمیانه

نام کشور	درصد شیعیان در سال ۲۰۱۵ میلادی**	درصد اهل تسنن در سال ۲۰۱۵ میلادی	سال ۲۰۱۷ میلادی* جمعیت کل
ایران	۹۰	۹	۷۹,۹۲۶,۲۷۰
عراق	۶۰-۵۵	۲۵	۳۲,۵۸۵,۶۹۲
بحرین	۷۰	۳۰	۱,۶۱۲,۰۰۰
لبنان	۳۸	۲۳	۶,۰۰۶,۶۶۸
سوریه	۱۶	۷۴	۱۸,۰۰۰,۰۰۰
امارات متحده	۱۵	۸۱	۸,۱۰۶,۰۰۰
عربستان سعودی	۱۱-۱۰	۹۰	۳۳,۰۰۰,۰۰۰
افغانستان	۱۵	۸۴	۲۹,۷۲۴,۳۲۳
آذربایجان	۷۰	۳۰	۹,۶۱۱,۷۰۰
یمن	۳۰	۷۰	۲۳,۸۳۳,۳۷۶
کویت	۲۵	۶۵	۴,۰۵۲,۵۸۴
پاکستان	۲۰	۷۷	۲۱۲,۷۴۲,۶۳۷
اردن	۲	۹۰	۷,۰۰۰,۰۰۰
عمان	۲۵	۱۸-۲۵	۲,۵۷۷,۰۰۰
مصر	۱	۹۰	۱۰۰,۱۲۴,۳۲۰
ترکیه	۲۰	۸۳-۹۳	۸۰,۸۱۰,۵۲۵
قطر	۲۵	-	۲,۶۰۰,۰۰۰

منبع: * Source Internet - ** 89 : Pishgahifard, 2009

*** <http://www.hawzah.net/fa/MagArt.html?MagazineArticleID=40296&MagazineNumberID=4848>

روش تحقیق :

این مقاله از نظر هدف کاربردی و بر مبنای روش، کیفی با ماهیت و روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و سایتهای اینترنتی، با رویکرد به نظریه اقلیت‌گرایی مذهبی و هویت‌خواهی به بررسی و تحلیل وضعیت پیروان مذهب شیعه در کشور بحرین پرداخته است.

محدوده مورد مطالعه :

بحرین کشوری در حاشیه جنوبی خلیج فارس و در ساحل شمال شرقی کشور عربستان سعودی است که وسعتی معادل ۶۶۵ کیلومتر مربع دارد و جمعیت آن طبق آمار سال ۲۰۱۸ میلادی ۱,۶۱۲,۸۱۴ نفر است (www.ciafactbook.com) که ۸۳٪ از کل این جمعیت، شهرنشین و ۱۷٪ روستایی می‌باشند. بیش از ۸۱٪ جمعیت آن مسلمان هستند (حدود ۷۰٪ شیعه مذهب و بقیه مالکی مذهب)، ۹٪ مسیحی (اتباع و مهاجران) و ۹,۸٪ پیرو دیگر ادیان (بیشتر هندو) هستند. یک گروه کوچک بومی یهودی هم در این کشور زندگی می‌کنند (<http://www.hajj.com>). بحرین به لحاظ درصدی در رتبه سوم کشورهای شیعه‌نشین محسوب می‌شود که حدوداً جمعیت شیعیان آن ۵۲۰/۰۰۰ نفر می‌باشند. (<http://intjz.net/maqalat/sh-bahrein.htm>) تا قبل از سال ۱۹۹۹ حکومت بحرین در تغییر ترکیب جمعیتی این کشور دخالتی نکرده بود و شیعیان ۸۵٪ جمعیت این کشور را تشکیل می‌دادند ولی از این سال (۱۹۹۹) به بعد، با دخالت حکومت و دادن تابعیت به اتباع خارجی متعصب، ترکیب جمعیتی را بر هم زد، به طوری که در حال حاضر ۷۰٪ جمعیت را شیعیان تشکیل

می‌دهند (Dalacoura, 2012: 63-79). اگر بخواهیم از دیدگاه جامعه‌شناسی، ترکیب و ساختار جمعیت کنونی کشور بحرین را بررسی کنیم، جمعیت این کشور در هفت دسته قرار می‌گیرند: «۱. خانواده حاکم (آل خلیفه) [که جمعیتی نزدیک به ۴۰۰۰ نفر دارد و از حدود ۲۳۰ سال قبل وارد این کشور شده است (خداوردی، ۱۳۹۴: ۱۷۴)]: ۲. سنی‌هایی که اصلیت آفریقایی دارند و طی خرید برده و در قرون ۱۸ و ۱۹ وارد بحرین شده‌اند؛ ۳. سنی‌هایی که اصلیتی عرب دارند و ریشه آنها به قبایل جزایر اطراف بحرین می‌رسد؛ ۴. سنی‌هایی که تحت عنوان هوله معروف بوده و اصالتاً عرب هستند که ابتدا به سواحل شمالی خلیج کوچ کرده بودند و سپس به سواحل جنوبی بازگشتند؛ ۵. طبقه بحارنه که شیعیان بحرینی‌الاصل هستند؛ ۶. شیعیان ایرانی که در بحرین ساکن هستند؛ ۷. گروه‌های کوچک از ادیان مختلف مسیحی، یهودی و هندوها که قرن‌ها پیش در بحرین ساکن شده‌اند» (حزب‌وی و کریمی‌فرد، ۱۳۹۵: ۲۰۵).

یافته‌های پژوهش:

وضعیت شیعیان در بحرین: در رابطه با تاریخچه چگونگی شکل‌گیری اعتراضات در بحرین باید گفت که اواخر سال ۱۹۹۴ میلادی، ناآرامی‌ها و درگیری‌های گسترده‌ای در روستاهای شیعه‌نشین سینابیس، جید حفص، جفیر و ... در خارج از منامه پایتخت این کشور شروع شد. تبعیض گسترده علیه شیعیان، بی‌توجهی به حقوق سیاسی و اجتماعی مردم، فساد سیاسی آشکار بین خانواده حاکم و نزدیکان آنها، تشکیلات امنیتی گسترده، سرکوبگر، متشکل از عناصر بیگانه و اقتصاد راكد را از عوامل اساسی این درگیری‌ها می‌توان دید که شیعیان نیز معترضین اصلی به شمار می‌آمدند. سال‌ها بعد دور جدیدی از خشونت‌ها، از جمله آتش زدن لاستیک ماشین، تیراندازی به پلیس، منفجر کردن کپسول‌های گاز به جای بمب، پرتاب سنگ به پلیس و در مقابل، سرکوب مردم از سوی پلیس شروع شد. در اوایل مارس سال ۱۹۹۷ میلادی با حمله به یک رستوران و کشتن پنج نفر از کارگران بنگالی، خشونت‌ها به اوج خود رسید. نیروهای امنیتی که اکثر آنها افسران اردنی، عرب و پاکستانی بودند، روستاها را محاصره کردند و به منازل فعالان سیاسی معروف هجوم بردند. آنها هزاران بحرینی شیعه را دستگیر، زندانی و شکنجه کردند.

منزعه بین سران حکومت و منتقدین شیعه پس از آرامش نسبی کوتاه مدت، دوباره در سال ۲۰۰۴ میلادی بالا گرفت. اولین درگیری عمومی نیز در ۲۱ می سال ۲۰۰۴ رخ داد. حدود ۴ هزار نفر از شیعیان در اعتراض به محاصره نجف و کربلا از سوی نیروهای آمریکایی، در حوالی مجتمع تجاری دانا، تظاهرات کردند. پلیس با شلیک گلوله و گاز اشک‌آور به تظاهرکنندگان واکنش نشان داد و بسیاری از آنها را مجروح و زخمی کرد. در آن حادثه، جواد فیروز عضو یکی از شوراهای بحرین و از شخصیت‌های عضو سازمان سیاسی الوقاق (یکی از سازمان‌های سیاسی شیعه مخالف حکومت) و همچنین روحانی مشهور و برجسته شیعی، شیخ عیسی قاسم، به شدت مجروح شدند. مجموعه رفتارهای دولت آل خلیفه سبب شد که فعالان شیعی روز ۱۴ فوریه سال ۲۰۱۱ را به نام روز خشم اعلام کنند و از مردم بخواهند در این روز به رفتار آل خلیفه اعتراض کنند. دولت آل خلیفه با مردم برخورد کرد و از آن موقع به بعد موج گسترده‌ای از اقدامات آل خلیفه علیه شیعیان اعم از بازداشت زنان و مردان و کودکان و شکنجه آنان، تخریب مساجد و قبرستان‌های شیعیان و... در دستور کار دولت آل خلیفه قرار گرفت. از جمله مواردی که در رابطه با تبعیض شیعیان در کشور بحرین می‌توان نام برد عبارتند از:

شیعیان از نظر محل سکونت نیز مورد تبعیض قرار گرفته‌اند. در حالی که اکثر شیعیان در روستاهای فقیر اطراف منامه زندگی می‌کنند، حق سکونت در منطقه مسکونی وسیعی به نام رفاع را ندارند. غرب رفاع از اواسط دهه ۱۹۹۰ میلادی به خانواده حاکم اختصاص یافته است و در بخش شرقی آن نیز فقط سنی‌ها می‌توانند سکونت داشته باشند. شیعیان نه حق سکونت در این منطقه را دارند نه می‌توانند زمینی را مالک شوند. دولت برای اجرای این سیاست، تمام درخواست‌های خرید زمین در این منطقه را بررسی و اسامی خریداران شیعه را حذف می‌کند.

عدم امکان حضور مؤثر شیعیان در عرصه ساختار حکومتی: آل خلیفه سیاست حذف شیعیان را از تشکیلات اداری و قضایی بحرین دنبال می‌کند. میزان اشتغال شیعیان در برخی از بخش‌های دولتی به کمتر از ۱٪ و تعداد کل قضات شیعی به ۷ نفر کاهش یافته است. مشکلات ناشی از بیکاری، وضعیت شیعیان را به شدت تحت تأثیر قرار داده که بهترین نمونه آن استخدام رو به کاهش و دستمزدهای اندک می‌باشد. از بین ۸۴ هزار شغل ایجاد شده در بخش خصوصی در بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۲، دستمزد ۶۷ هزار شغل کاهش یافته و به کمتر از ۲۰۰ دینار بحرینی، یعنی حدود ۵۳۰ دلار آمریکا رسیده است. بیش از ۸۰٪ از این مشاغل نیز به کارگران خارجی واگذار شده است. حدود ۵۳٪ از کارگران بحرینی ماهانه کمتر از ۲۰۰ دینار درآمد دارند. که طبق آمار وزارت کار این کمترین میزان برای اداره یک خانواده دو نفره در بحرین است. بیش از نصف جمعیت بحرین را خانواده-

هایی تشکیل می‌دهند که سرپرست آنان از بیکاران یا از کسانی است که شغل‌های جزئی دارند یا دستمزد ناچیزی دریافت می‌کنند (قاسمی، ۱۳۸۵: ۱۴۴-۱۳۷).

عدم تمایل حکومت به شنیدن اعتراضات شیعی یا مذاکره با ایشان؛

- تبعیض: عمده بیکاران و فقرای بحرین را شیعیان تشکیل می‌دهند. این تبعیضات تا بدان جا کشیده شده که حکومت در قراردادهای بزرگ با شرکت‌های خارجی، با آنها شرط کرده است کارگر و راننده شیعه استخدام نکنند. براساس همین سیاست حکومت آل‌خلیفه با کاستن از تعداد کادر پزشکی شیعه در مراکز بهداشتی و درمانی به دنبال استفاده از کادر پزشکی اردنی به جای شیعیان است.

تعداد زیاد زندانیان سیاسی شیعه؛ رهبران شیعی معتقدند در طول سال‌های گذشته هزاران نفر از شیعیان در زندان‌های آل‌خلیفه بوده‌اند و برخی از آنها نیز در زندان‌ها به شهادت رسیدند.

- رویکرد یک جانبه حکومت در مورد تحصیلات دانشگاهی؛ بسیاری از شیعیان که جزو ۱۰٪ برتر کلاسشان هستند به دانشگاه راه نمی‌یابند درحالی‌که سنی‌ها با صلاحیت کمتر وارد دانشگاه می‌شوند. برخی از دانشجویان شیعه که به تحصیل مشغول بودند از ادامه تحصیل محروم شده‌اند و گروهی از آنان زندانی هستند. در میان زندانیان، دانش‌آموزان نیز هستند. پیش از آغاز سال تحصیلی جدید، بیش از یکصد دانش‌آموز در زندان بودند که که کوچکترین آنها سلمان مهدی سلمان، ۱۳ سال سن دارد. وجود دادگاه‌های امنیتی ویژه شیعیان؛ این دادگاه‌ها براساس متمم قانون کیفری تأسیس شده‌اند و قوه قضائیه را نمی‌توان مستقل قلمداد کرد. به گفته یک حقوقدان سنی بحرینی، در حال حاضر تقریباً ۲۰۰۰ شیعه بحرینی بدون هر گونه محاکمه‌ای در حبس به سر می‌برند.

آزار و اذیت جوامع شیعی و افراد شیعه؛ پلیس به صورتی اهانت‌آمیز، گستاخانه و با خشونت‌های فیزیکی با شیعیان رفتار می‌کند. آنان مرتب به خانه‌های شیعیان حمله کرده، آنها را زیرورو می‌کنند، سکنه آنها را کتک می‌زنند و به تمسخر می‌گیرند؛ به زنان شیعه اهانت می‌کنند و در مجموع وضعیتی آکنده از ناامنی، ترس و خشونت برای شیعیان پدید می‌آورند. حکومت آل‌خلیفه از اتباع کشورهای دیگر نیز برای مقابله با شیعیان استفاده می‌کند. آل‌خلیفه از سودان درخواست نیرو برای مقابله با شیعیان کرده است. هم چنین از آوارگان سوریه‌ای نیز خواسته است در مقابل دریافت تابعیت بحرینی به عضویت پلیس این کشور در بیایند. نیروهایی از پاکستان نیز در خدمت آل‌خلیفه هستند. (<http://fa.alkawthartv.com/news/80808>).

بحث و تجزیه و تحلیل:

عمدتاً از بعد از جنگ جهانی دوم، محدوده‌ی ژئواستراتژیک و ژئوپولیتیک خاورمیانه و به طور ویژه، منطقه‌ی خلیج فارس، همواره در کانون توجهات سیاسی-اقتصادی قرار دارد. وجود تفاوت‌های قومی، زبانی، مذهبی در خاورمیانه باعث وجود چالش‌های اساسی میان کشورهای منطقه شده است. با وجود اینکه تمام کشورهای این محدوده جغرافیایی مسلمانند (به جزء اسرائیل) ولی دارای روابط مناسبی نیستند. در کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس مذهب شیعه به عنوان یک عامل پیوند دهنده می‌تواند به فرصتی جهت تحولات برای پیروان آن در آید. وضعیت و موقعیت شیعیان همان گونه که بنابر یافته‌های تحقیق ارائه شد یک عامل ژئوپولیتیک در منطقه‌ی خلیج فارس و خاورمیانه است. وقتی که ژان پی‌یرشه و نمان وزیر اسبق دفاع فرانسه در دهه‌ی ۱۹۸۰ میلادی عنوان می‌کند مسئله شیعه آینده عراق است، بعد از سقوط دیکتاتوری صدام حسین در سال ۲۰۰۳ میلادی به قدرت رسیدن شیعیان را در این کشور شاهد هستیم. ایران به عنوان قدرتمندترین کشور شیعه مذهب در خاورمیانه و خلیج فارس و به عنوان یک قدرت منطقه‌ای نقش آن محرز است. در عربستان سعودی سکونت شیعیان در شمال شرق این کشور و حضور چشمگیر محل و موقعیت سکونت آنها در مناطق نفت‌خیز این کشور، به عنوان یک عامل ژئوپولیتیک و فرصت مطرح است. همان گونه که توال نیز معتقد است تشیع در خلیج فارس به لحاظ جغرافیای مذهبی غلبه دارد. از آنجا که جغرافیا به عنوان عامل اصلی و زیربنای ژئوپولیتیک در مباحث همگرایی و پیوند میان کشورها مطرح است، بنابراین شیعیان در خاورمیانه با توجه به گستره‌ی جغرافیایی-ژئوپولیتیک که دارند به عنوان یک فرصت مطرح‌اند. در کشوری مانند بحرین هویت دوگانه قومی-مذهبی (عرب-شیعه و سنی) شکل گرفته است. در واقع اینچنین جوامعی، که عموماً هویت چندبعدی دارند و بسته به هر کدام از این ابعاد که مورد محاسبه قرار گیرد، رابطه اکثریتی و یا اقلیتی با دیگر افراد جامعه پیدا می‌کنند. در اینگونه موارد، تأکید قدرت سیاسی بر هر یک از این ابعاد هویتی، موقعیت اقلیتی یا اکثریتی افراد تعیین می‌شوند که احتمالاً با تغییر دیدگاه و نگرش قدرت و تکیه بر بعد دیگر هویت، آن موقعیت دستخوش تغییر و دگرگونی می‌گردد (عزیزی، ۱۳۹۴: ۷۲).

به گزارش روزنامه 'گاردین' در لندن 'لیام فاکس' وزیر دفاع انگلیس در کنفرانس حزب محافظه کار این کشور در سیزدهم مهرماه (۱۳۹۵) با اشاره به اختلافات و چالش‌های مذهبی در خاورمیانه، پیش‌بینی کرد که اعتراضات شیعیان در کشوری چون بحرین و اقدام دولت این کشور در سرکوب آنها، بحرین و به دنبال آن خاورمیانه را به یک نقطه انفجار خطرناک خواهد رساند. لیام فاکس با ابراز نگرانی از وضعیت چالش‌های مذهبی در منطقه حساس خاورمیانه چنین اظهار داشت که اختلافات مذهبی در بحرین بدین معنی است که این کشور در معرض خطر تبدیل شدن به 'برلین خاورمیانه' قرار دارد. به گفته وی سرکوب اکثریت شیعیان در بحرین از سوی دولت برآمده از اقلیت سنی مذهب خاندان آل خلیفه، بحرین را در مسیر تبدیل شدن به یک نقطه انفجار بالقوه در بهار عربی قرار داده است. اصطلاح برلین خاورمیانه با یادآوری فضای جنگ سرد در اروپا، گسست‌های مذهبی بین اقلیتهای مذهبی به ویژه شیعیان و سنی‌های خاورمیانه را عامل ایجاد جنگ سرد خاورمیانه‌ای قلمداد می‌کند. در طول جنگ سرد شهر برلین با تقسیم به دو بخش شرقی و غربی به کانون برخورد احتمالی بلوک شرق و غرب تبدیل شده و نمادی از اختلافات ایدئولوژیک دو ابرقدرت و اهداف و منافع متضاد بلوک‌های قدرت در اروپا محسوب می‌شد (<http://www.irna.ir/fa/News/2000097965>).

در بحرین مذهب حاکمان، سنی است که متفاوت از مذهب اکثریت مردم این کشور یعنی شیعه است. نکته مهم این است که میان اقلیت سنی حاکم بر بحرین و اکثریت شیعی تهیدست که اعتراض‌هایی را نسبت به بی‌عدالتی‌ها دارند، شکاف بزرگی دیده می‌شود. به گفته لارنس پینتک از دانشگاه دولتی واشنگتن، در مصر یک اکثریت کمابیش همگون سنی را می‌بینید؛ درحالی‌که در بحرین اکثریت شیعی را می‌بینیم که زیر ستم هستند و اقلیت سنی همه پول و قدرت را در دست دارند. این یک ملغمه بسیار ناپایدار است. توبی جونز استاد تاریخ در دانشگاه راتگرز که سال‌ها در بحرین زندگی کرده، دامنه شکاف اقتصادی میان اهل سنت حاکم و اکثریت شیعی را تکان دهنده می‌داند: از دیدگاه ملی، بحرین کشوری بسیار فقیر است و ثروتی که به دست آمده، در دستان حاکمان و گروه‌های بانفوذ جای گرفته است. من هرگز فقر فلاکت بار مانند آنچه در بحرین است ندیده‌ام. وی در دیداری که در سال ۲۰۰۳ میلادی همراه با فعالان در زمینه حقوق بشر از یک روستای شیعه‌نشین داشته یاد می‌کند که طی آن مردی را دیده که در یک کپر گلی با گاوش زندگی می‌کرده است و ناگزیر بوده که با چکمه لاستیکی، اینجا و آنجا برود و کف کپر پر از فضولات گاو بوده است. جونز یادآور می‌شود که اعتراض‌ها در بحرین، رسیدن به نظام سیاسی خوب را به جای شعله‌ور ساختن یک انقلاب هدف قرار گرفته است؛ معترضان خواهان یک دولت شیعی نیستند بلکه کشوری دموکراتیک می‌خواهند که هر کس بتواند در گرداندن آن مشارکت داشته باشد. ۳۰٪ جمعیت بحرین را سنی‌ها، کارگران خارجی و کارکنان پایگاه دریایی آمریکا تشکیل می‌دهند. بحرین بر پایه برآورد سازمان سیا در سال ۲۰۱۰ میلادی درآمد سرانه ۴۰۴۰۰ دلار را داشته است که در دست اقلیت سنی‌ها بوده است (حمیدی، ۱۳۹۰: ۵۲-۵۱). احساس تبعیض، بی‌عدالتی و محرومیت اکثریت شیعی بحرین، به عدم مشارکت واقعی در قدرت سیاسی از طریق انتخابات محدود نمی‌شود، بلکه این گروه در عرصه‌های مختلف اداری، اجرایی، اقتصادی و اجتماعی نیز با سیاست‌های تبعیض‌آمیز آل خلیفه مواجه‌اند و این امر تداوم نارضایتی و اعتراضات شیعیان بحرین را در پی داشته است. براساس گزارش سال ۲۰۰۳ میلادی مرکز حقوق بشر بحرین، از ۵۷۲ منصب عمومی و عالی تنها ۱۰۱ منصب یعنی ۱۸٪ و از ۴۷ منصب عالی در حد وزیر و مدیرکل فقط ۱۰ منصب یعنی ۲۱٪ به شیعیان تعلق داشته است. شیعیان در این نظام به هیچ عنوان نمی‌توانند عهده‌دار مناصب عالی حکومتی مانند وزارت دفاع، خارجه، دادگستری و کشور شوند (آدمی، ۱۳۹۱: ۱۵۱). به علاوه خاندان آل خلیفه، بیش از ۵۰٪ وزارتخانه‌ها، تمامی وزارتخانه‌های کلیدی و مهم، پست نخست‌وزیری، معاونت‌های نخست‌وزیری و شورای عالی دفاع را در اختیار دارند. قدرت در بحرین در اختیار پادشاه و خانواده حاکم (آل خلیفه)، شورای عالی دفاع و شورای انتصابی پادشاه می‌باشد. اختیار مهم دیگر اینکه، حق اصلاح قانون اساسی به شخص امیر داده شده است (خداوردی، ۱۳۹۴: ۱۷۵).

نتیجه‌گیری:

با توجه به سؤالی که در این مقاله مطرح گردید مبنی بر اینکه وضعیت شیعیان در بحرین از نظر سطوح سیاسی، اجتماعی و اقتصادی چگونه است؟ برای پاسخ به این سوال، با استفاده از یافته‌های تحقیق می‌توان این‌گونه استدلال کرد که: به هر روی، با توجه به اینکه از نظر زمانی و تاریخی در کشور بحرین، شیعیان از نظر اجتماعی در اقلیت بوده‌اند، در روند جهانی شدن و هویت‌خواهی جدید از سوی پیروان این مذهب، چالش‌هایی در سطح ملی در این کشور برای پیروان شیعه با حاکمان این کشور ایجاد شده است. همان‌گونه که مصداق‌های متعددی در ارتباط با چالش مذهب در بحرین آورده شد، مشاهده گردید که شیعیان در این کشور با توجه به اینکه از سال ۲۰۱۱ به طور جدی به دنبال جایگاه اصلی و رفتار عادلانه از سوی حکومت هستند ولی تاکنون نتوانسته‌اند به این مهم دست یابند و همچنان از سوی حکومت مرکزی با سرکوب و بعضاً با قوه قهریه و نظامی روبرو می‌شوند. یکی از مفاهیم مطرح شده از دیدگاه اقلیت‌گرایی مذهبی، این بود

که: اقلیت‌گرایی مذهبی یک حرکت سیاسی به معنای عام است؛ چنان که نسبتی با قدرت دارد و به صورت سلبی یا ایجابی با آن مرتبط می‌شود. در ضمن این ارتباط فقط در حوزه سیاسی تعریف نشده است و می‌تواند نمودهای فرهنگی، اقتصادی، ارتباطی و... داشته باشد. لاجرم در کشور بحرین با توجه به ماهیت اعتراضات مردمی و نوع برخورد حکومت با آنها، نشان می‌دهد که پیروان مذهب شیعه به دلیل اینکه از سطوح اجتماعی درون کشور دور نگه داشته شده‌اند، در طی گذشت زمان، عدم توجه به شیعیان و نگاه اقلیت‌گرایی به آنها در زمینه دستیابی به سطوح مدیریتی، باعث شده تا مردم شیعه مذهب در بحرین برای برون رفت از وضع موجود، به اعتراض بپردازند.

گفته شد که برای مطالعه همگرایی با دو پرسش بنیادی روبرو هستیم: اول اینکه چرا اتباع یا شهروندان برای واحد سیاسی که در آن زندگی می‌کنند، حرمت و تقدس قائلند یا (قائل نمی‌باشند)؟ که در جواب این پرسش با توجه به شکل‌گیری اعتراضات و تظاهرات در یک کشور مانند بحرین، نشان دهنده‌ی این است که این حرمت و تقدس به دلیل تبعیضها و نابرابری‌ها، نمی‌تواند نمود داشته باشد و سوال دوم اینکه در درون نظام‌های سیاسی چگونه اجماع شکلی و ماهوی حاصل شده و تداوم می‌یابد؟ که باز هم با توجه به هویت دوگانه موجود در کشورهایمانند بحرین، و تفکرات مستبدانه سران حکومتی، شکل‌گیری اجماع شکلی و ماهوی حاصل نمی‌شود. به علاوه دو نظریه درباره همگرایی یا یکپارچگی سیاسی، مطرح شد: نظریه اول، به خاطر وجود ارزش‌هایی مشترک و فراگیر در میان اعضای خود و به خاطر وجود توافقی عمومی درباره چارچوب نظام مربوطه است که نظام‌های سیاسی به انسجام و همبستگی دست یافته و آن را حفظ می‌کنند؛ که ارزش‌های مشترک و فراگیر در بعد ملی در کشور بحرین، دستخوش هویت دوگانه مذهبی شیعه و سنی قرار گرفته است و شکل‌گیری انسجام و اتحاد ملی در حال حاضر با توجه به وضعیت موجود، امکان‌پذیر نیست هر چند این نظام‌ها بر مبنای اجماع شکلی (یا توافق عمومی درباره راه‌حل‌های مسائل موجود در نظام سیاسی) استوارند. در نظریه دوم، چنین استدلال شده است که به خاطر کاربرد یا تهدید به کاربرد زور است، که نظام‌های سیاسی به انسجام دست یافته یا آن را حفظ می‌کنند. از آنجا که کشور تازه استقلال یافته بحرین از دیدگاه ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک مورد حمایت حکومت‌های آمریکایی مانند آمریکا در بعد فرماندهی و عربستان سعودی در بعد منطقه‌ای است، کاربرد زور و یا تهدید به کاربرد آن، در این کشور برای انسجام میان شیعیان و سنی‌ها به عنوان یک امتیاز، تأثیری ندارد زیرا که حکومت وهابی آل سعود به طور یکجانبه از اهل تسنن این کشور حمایت می‌کند و آمریکا هم با توجه منافع ملی خودش به ساختار حاکم بر این کشور، پشتیبانی می‌کند. شیعیان در کشورهای بحرین و عربستان سعودی (به طور ویژه) با چالش‌هایی روبرو هستند که این مسأله در سال‌های اخیر در چارچوب چالش مذهبی با توجه به هویت‌خواهی و روند اقلیت‌گرایی مذهبی که در این کشورها وجود داشته است به عنوان یکی از چالش‌های اساسی مطرح شده است که باعث برهم خوردن نظم عمومی و مطالبه‌خواهی برای سطوح اجتماعی مختلف از سوی شیعیان شده است. با توجه به یافته‌های مطرح شده، فرضیه پژوهش تأیید می‌گردد. بنابراین برای همگرایی بیشتر میان کلیت جامعه بحرین و برون رفت از نگاه اقلیت‌گرایی مذهبی در این کشور، موارد زیر پیشنهاد می‌شوند:

- حاکمان بحرین به جای تعصبات خشک و بی‌مورد، به جامعه بحرین به عنوان یک کل واحد نگاه کنند و دین واحد اسلام و مسلمان بودن مردم را ملاک قرار دهند؛
- مردم بحرین نیز جدای از تعصبات مذهبی شیعه و سنی، همانند برادران دینی یکدیگر، در کنار هم بایستند و جلوی دسیسه‌ها و نفوذهای بی‌مورد خارجی را بگیرند؛
- رهبران کشورهای شیعه‌نشین، با درایت و استراتژی مناسب، برای آگاهی بیشتر هم‌مذهبان خودشان کمک کنند.

منابع و مأخذ

۱. آدمی، علی (۱۳۹۱): «بحران بحرین و امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه راهبرد، شماره ۶۲، بهار، صص ۱۶۱-۱۴۵.
۲. امینی‌زاده، سینا و بوستانی، داریوش (۱۳۹۵): «همگرایی و واگرایی ملی، مذهبی و جهانی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه شهید باهنر کرمان)»، فصلنامه توسعه اجتماعی، دوره ۱۰، شماره ۳، صص ۱۱۱-۱۳۸.
۳. بدیعی‌ازنده‌ای، مرجان و قالیباف، محمداقبر و پورموسوی، سیدموسی و پوینده، محمدهادی (۱۳۹۳): «تبیین جغرافیایی بنیادهای هویت در مقیاس ملی»، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۶، شماره ۳، پاییز، صص ۵۲۲-۵۰۵.
۴. برادن، کتلین و شلی، فرد (۱۳۸۳): ژئوپولیتیک فراگیر، ترجمه علیرضا فرشچی و حمیدرضا رهنما، تهران: انتشارات دافوس، چاپ اول.
۵. جهانی، محمد (۱۳۹۲): «تأثیر اقلیت‌گرایی مذهبی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (با تأکید بر نقش سلفیت)»، فصلنامه آفاق امنیت، سال ششم، شماره بیستم، پاییز، صص ۳۹-۵.

۶. حمیدی، محمدمحسن (۱۳۹۰): «نآرامی‌ها در بحرین، درخواست اصلاحات یا انقلاب»، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال بیست و پنجم، تابستان، صص ۴۸-۶۳.
۷. حزباوی، خالد و کریمی‌فرد، حسین (۱۳۹۵): «نظریه پخش و تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان بحرین»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، شماره ۱۸، تابستان، صص ۱۸۹-۲۰۵.
۸. خادوردی، علی (۱۳۹۴): «بیداری اسلامی در بحرین»، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال دوازدهم، بهار، شماره ۴۰، صص ۱۸۴-۱۶۵.
۹. دوئرتی، جیمز و فالتزگراف، رابرت (۱۹۹۲): نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: انتشارات قومس، جلد اول و دوم، چاپ اول.
۱۰. دیلمی معزی، امین و شجاع، مرتضی (۱۳۸۷): «آمریکا و راهبرد بازنگری در مرزهای سرزمینی در خاورمیانه»، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال بیست و دوم، شماره هفتم و هشتم، فروردین و اردیبهشت، صص ۹۶-۱۰۹.
۱۱. عزیزی، ستار (۱۳۹۴): حمایت از اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ دوم.
۱۲. قاسمی، فرهاد (۱۳۸۹): «مدل ژئوپلیتیکی امنیت منطقه‌ای: مطالعه موردی خاورمیانه»، فصلنامه ژئوپلیتیک، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی، سال ششم، شماره دوم، تابستان، صص ۷۱-۸۶.
۱۳. قاسمی، صفت‌الله (۱۳۸۵): «وضعیت شیعیان در بحرین»، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای جهان اسلام، سال هفتم، شماره ۲۸، زمستان، صص ۱۴۲-۱۲۸.
۱۴. قوام، عبدالعلی (۱۳۸۴): روابط بین‌الملل نظریه‌ها و رویکردها، تهران: انتشارات قومس، چاپ اول.
۱۵. قوام، عبدالعلی (۱۳۹۵): اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت، چاپ بیست و یکم.
۱۶. کلاوال، پل (۱۳۹۴): جغرافیای قرن بیست و یکم، ترجمه حسن صدوق‌ونینی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول.
۱۷. کوزه‌گر کالجی، ولی (۱۳۹۶): ایران و جمهوری‌های قفقاز جنوبی، تهران: انتشارات مؤسسه ایراس، چاپ اول.
۱۸. ضابطی، معین و علی‌حسینی، علی و امام‌جمعه‌زاده، سیدجواد (۱۳۹۶): «فرصت‌های اسلام سیاسی شیعه در فضای جهانی شدن»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال هفتم، شماره ۴، زمستان، صص ۱۶۷-۱۴۹.
۱۹. ویسی، هادی (۱۳۹۷): «واکاوی چالش‌های ژئوپلیتیکی رابطه شورای همکاری خلیج فارس با جمهوری اسلامی ایران و تأثیر آن بر جهان اسلام»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال هفتم، شماره ۲۵، بهار، صص ۱۶۷-۱۴۵.
۲۰. هدایتی‌شهیدانی، مهدی و صفری، عسگر (۱۳۹۶): «نقش عربستان سعودی در تصاعد زمینه‌های خشونت‌آمیز هویت اسلامی: مطالعه موردی آسیای مرکزی»، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۵، شماره ۲، پاییز و زمستان.
21. Dalacoura, K, (2012): "The 2011 uprisings in the arab Middle East", International Affairs, No 88.
22. <http://fa.alkawthartv.com/news/80808>
23. <http://fa.shafaqna.com/news/239452>
24. <http://intjz.net/maqalat/sh-bahrein.htm>
25. <http://rotbe3.com/economic/social/world-population/>
26. <http://www.hajij.com>
27. <http://www.hawzah.net/fa/MagArt.html?MagazineArticleID=40296&MagazineNumberID=48>
28. <http://www.irna.ir>
29. <http://www.tabnak.ir>
30. Muzaffarli, (2008): Central Asia and the Caucasus, Journal of social and political studies; Guam : from a Taetieal Allianee To Strategic Partnership, NazimMuzaffarli, 3-4 (51-52).
31. www.Cia factbook.com



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی